



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته حقوق خصوصی

عنوان

تأثیر مقتضیات زمان و مکان بر استنباط احکام فقهی و حقوقی

استاد راهنما

دکتر ابوالحسن مجتهد سلیمانی

دانشجو

فاطمه جلالی

شهریور ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته حقوق خصوصی

عنوان

تأثیر مقتضیات زمان و مکان بر استنباط احکام فقهی و حقوقی

استاد راهنما

دکتر ابوالحسن مجتهد سلیمانی

استاد مشاور

دکتر غفور خوئینی

دانشجو

فاطمه جلالی

شهریور ۱۳۹۰

تقدیم به :

پیشگاه حضرت ولی عصر (عج) ، روح مطهر حضرت امام خمینی

(ره) و حضرت آیت الله العظمی خامنه ای .

با تقدیر و تشکر از :

زحمات و راهنمایی های جناب آقای دکتر ابوالحسن مجتهد
سلیمانی و دکتر غفور خوئینی ، و با قدردانی از پدر و مادر مهربان
و همسر فداکارم که با صبر و تحمل فراوان و در اختیار گذاشتن
امکانات یاریم نمودند .

چکیده

با گذشت زمان و با توجه به این که، بشریت روز به روز قدم در راه پیشرفت و ترقی برداشته و همواره با مسائل و نیازهای جدید روبرو بوده، موضوعات را می توان، ۳ گونه یافت :

۱. موضوعاتی که با وجود تغییرات زمانی و مکانی ثابت بوده و تغییر ننموده اند و در نتیجه حکم آنان نیز ثابت و تغییر نمی کند، در واقع حکم اینگونه موضوعات توسط شارع و با توجه به عنوان های اولیه شان، یعنی مصالح و مفسد نفس الامری که در این امور وجود دارد، جعل شده است.

۲. موضوعاتی که تحت تأثیر مقتضیات زمان و مکان قرار گرفته و دگرگون شده اند و در نتیجه حکم آنها نیز بایستی دگرگون شود. از جمله این دگرگونی ها می توان به تحوّل در ماهیت موضوع، دگرگونی در قیود یا بعضی صفات موضوع، در مصادیق موضوع، توسعه و تضییق موضوع و ... اشاره نمود.

۳. موضوعاتی که بر اثر مرور زمان و با پیدایش احتیاجات جدید به وجود آمده اند، که از آن ها تعبیر به موضوعات و مسائل مستحدثه می شود. با توجه به این نکته که هیچ موضوعی بدون حکم نیست، وظیفه ی مجتهد و فقیه این است که ضمن شناخت این موضوعات، احکام آنها را استخراج نماید.

چنانچه می دانیم، منبع اصلی همه ی احکام و حقوق اسلامی، اراده ی تشریحی ذات باری تعالی است و به این علت که کشف چنین اراده ای از نظر اصولیین شیعه از راه کتاب، سنت، اجماع و عقل صورت می پذیرد، اصطلاحاً به آنها منابع احکام فقه و حقوق اسلامی اطلاق می گردد. حکومت اسلامی، قوانین مورد نیاز خود را از همین

مآخذ نقلی و عقلی استنباط می کند و بایستی از همه‌ی مآخذ فقهی خود، علی الخصوص از ادله ی عقلی ، به قوانین نوین و پیشرفته راه پیدا کند ، در صورتی که ادله ی عقلی جایگاه واقعی خود را بیابند، در تحصیل قوانین، راه بن بست و وجود ندارد. بنابراین، برای دستیابی به اجتهاد و فقه پویا علاوه بر منابع فقهی دست اول، یعنی کتاب و سنت، بایستی به مآخذ فقهی دسته ی دوم، یعنی ادله ی عقلی و عرف عقلاء، توجه شایان نمود، زیرا در مواردی دیده می شود که حکمی از کتاب و سنت و اطلاقات و عمومات آن ها به دست نمی آید ، در این صورت نوبت دلیل عقلی و عرف عقلائی است که پاسخگو باشند و هر گاه از دلیل عقلی ناامید شدیم ، آنگاه نوبت به اصول عملیه می رسد. در واقع با مراجعه به تمام ادله ، دین می تواند پاسخگوی تمامی نیازهای مردم بوده و بی شک، دینی که چنین باشد، ایمان مردم بدان استوارتر و بدان دلبسته تر خواهد شد.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات

۲	گفتار اول : شرح اصطلاحات.....
۲	مبحث اول : زمان و مکان و مقتضیات.....
۳	مبحث دوم : فقه.....
۴	مبحث چهارم : اجتهاد.....
۵	مبحث پنجم : حقوق.....
۶	گفتار دوم : نظام های حقوقی.....
۶	مبحث اول : نظام حقوقی رومی - ژرمنی(اروپای غربی).....
۷	مبحث دوم : نظام حقوقی کامن لا (حقوق انگلیس و آمریکا).....
۷	مبحث سوم : گروه حقوق کشورهای کمونیستی.....
۸	مبحث چهارم : حقوق اسلام.....
۹	گفتار سوم : پیشینه ی بحث و نظریه های موجود.....
۹	مبحث اول : پیشینه ی اجتهاد.....
۱۳	مبحث دوم : انواع و اقسام اجتهاد.....
۱۳	بند اول : اجتهاد به رأی و اجتهاد مصطلح (اجتهاد مشروع).....
۱۴	بند دوم : اجتهاد مطلق و اجتهاد متجزی.....
۱۴	مبحث سوم : ضرورت اجتهاد.....
۱۶	مبحث چهارم : شرایط اجتهاد از دیدگاه امام خمینی(ره).....
۱۷	مبحث پنجم : فقه شیعه، پویایی آن و عوامل مؤثر در پویایی.....
۱۹	مبحث ششم : پیشینه ی بحث تأثیر مقتضیات زمان و مکان بر اجتهاد و حقوق، در ایران.....
۱۹	مبحث هفتم : نظریه های موجود.....
۲۰	بند اول : نظریه اول(فقه پویا).....
۲۲	بند دوم : نظریه دوم(فقه سنتی).....
۲۳	بند سوم : نظریه سوم(فقه سنتی پویا).....

فصل دوم: مقتضیات زمان و مکان، احکام و موضوعات

۲۶	گفتار اول : مقتضیات زمان و مکان و احکام.....
۲۶	مبحث اول : حکم.....
۲۸	مبحث دوم : اقسام حکم.....

بند اول : حکم تکلیفی و حکم وضعی.....	۲۸
الف (حکم تکلیفی	۲۸
ب (حکم وضعی	۲۸
ج (تفاوت حکم تکلیفی و وضعی	۲۹
بند دوم : حکم واقعی و حکم ظاهری.....	۲۹
الف (حکم شرعی واقعی	۳۰
ب (حکم شرعی ظاهری	۳۰
بند سوم : حکم اولی و ثانوی	۳۱
الف) حکم اولی	۳۱
ب (حکم ثانوی.....	۳۱
ج (احکام اولیه و ثانویه در قرآن	۳۲
د (احکام اولیه و ثانویه در روایات.....	۳۴
ن (مصادیق احکام ثانوی ۴.....	۳۵
و (تفاوت حکم اولی با حکم ثانوی	۳۹
هـ (احکام ثانوی ، احکام مناسب با شرایط زمان و مکان	۴۰
بند چهارم : احکام حکومتی	۴۱
الف (تعریف حکم حکومتی	۴۱
ب (شئون پیامبر (ص) در اداره امت اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) و بررسی اقسام حکم حکومتی	۴۴
ج (تفاوت احکام اولیه با احکام حکومتی	۴۷
د (تزام حکم حکومتی و حکم اولی.....	۴۸
ل (حکم حکومتی در کتاب و سنت.....	۴۹
- نمونه ای از آیات :	۴۹
نمونه ای از روایات :	۵۲
م (مبنای عقلی تشکیل حکومت از دیدگاه امام خمینی (ره).....	۵۳
ن (حدود اختیارات و اوصاف حکومت اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره).....	۵۴
و (نقش مصلحت در صدور احکام حکومتی از دیدگاه امام خمینی(ره).....	۵۵
مبحث سوم : نمونه هایی از احکام حکومتی	۵۶
بند اول : مسائل اقتصادی.....	۵۷
الف (مسائل اقتصادی در حکومت اسلامی	۵۷

ب (قرآن و اقتصاد.....	۵۷
ج (نمونه هایی از احکام حکومتی اقتصادی.....	۶۰
۱. احتکار.....	۶۰
۲. بیمه و احکام آن در حکومت اسلامی.....	۶۱
۳. احکام بانکی در حکومت اسلامی.....	۶۲
۴. خمس و زکات.....	۶۳
بند دوم : مسایل حقوقی در حکومت اسلامی.....	۶۴
الف (مسایل حقوقی در حکومت اسلامی.....	۶۴
ب (نمونه هایی از احکام حکومتی جزایی.....	۶۵
۱. حکم حاکم در ارتباط با اسیران جنگی.....	۶۵
۲. اجراء حدود.....	۶۵
گفتار دوم : مقتضیات زمان و مکان و موضوعات احکام.....	۶۶
مبحث اول : تعریف موضوع از دیدگاه عدّه ای از فقها.....	۶۷
مبحث دوم : تفاوت موضوع و متعلق.....	۶۸
مبحث سوم : اقسام موضوع.....	۷۰
الف (موضوعات مستنبط شرعی.....	۷۰
ب (موضوعات عرفی.....	۷۱
مبحث چهارم : زمان و مکان و دگرگونی موضوعات.....	۷۲
بند اول : دگرگونی ماهیت موضوع.....	۷۲
بند دوم : دگرگونی قیود یا بعضی صفات موضوع.....	۷۳
بند سوم : دگرگونی در مصادیق موضوع.....	۷۴
بند چهارم : دگرگونی در اسم و عنوان موضوع.....	۷۴
بند پنجم : دگرگونی اضافات و نسبتهای موضوع.....	۷۵
بند ششم : توسعه ی موضوع.....	۷۵
بند هفتم : تضییق موضوع.....	۷۵
مبحث پنجم : زمان و مکان و به وجود آمدن موضوعات جدید – موضوعات مستحدثه.....	۷۶
مبحث ششم : وظیفه ی فقیه درباره موضوعات دگرگون شده و موضوعات مستحدثه.....	۷۶

فصل سوم: منابع فقه و اجتهاد پویا

گفتار اول : قرآن، نخستین منبع و اصلی ترین سرچشمه استنباط احکام فقهی و حقوق اسلامی.....	۷۹
--	----

۸۰	مبحث اول : انواع تعلیمات قرآن
۸۰	مبحث دوم : قرآن قطعی الصدور است
۸۱	مبحث سوم : قرآن ظنی الدلاله است
۸۱	مبحث چهارم : حجّیت قرآن
۸۲	مبحث پنجم : انطباق قرآن بر همه ی زمان ها
۸۵	مبحث ششم : مقتضیات زمان و مکان و تفسیر قرآن
۸۵	مبحث هفتم : عوامل مؤثر در تحولات تفسیری
۸۶	مبحث هشتم : تحول در فهم قرآن و ادله تأثیر زمان در این فهم
۸۶	۱. آیات قرآن:
۸۷	۲. روایات:
۸۸	گفتار دوم : سنّت دومین منبع استنباط احکام فقهی و حقوقی (حقوق اسلام)
۸۸	مبحث اول : حجّیت سنّت نبوی (ص)
۸۹	مبحث دوم : حجّیت سنّت ائمه معصومین (ع)
۹۰	مبحث سوم : تأثیر مقتضیات زمان و مکان بر فهم سنّت
۹۰	بند اول : تأثیر زمان و مکان در فهم معنای روایات
۹۰	بند دوم : تأثیر مقتضیات زمان و مکان حاضر در فهم روایات
۹۱	مبحث چهارم : تأثیر مقتضیات زمان و مکان در رفع تعارض روایات
۹۳	مبحث پنجم : تأثیر مقتضیات زمان و مکان در فهم بعضی از کلمات روایات
۹۳	گفتار سوم : نقش دلیل عقلی در استنباط احکام
۹۴	مبحث اول : عقل در قرآن
۹۵	مبحث دوم : عقل از دیدگاه ائمه
۹۶	مبحث سوم : حجّیت حکم عقل
۹۶	مبحث چهارم : اقسام دلیل عقلی
۹۷	مبحث پنجم : قاعده ملازمه- تطابق حکم شرع و عقل -
۹۹	مبحث ششم : نقش عقل در استنباط احکام دینی
۱۰۱	گفتار چهارم : اجماع
۱۰۱	مبحث اول : اجماع از نظر شیعه
۱۰۲	مبحث دوم : اجماع در نظر اهل سنّت
۱۰۲	گفتار پنجم : عرف و پویایی فقه

مبحث اول : معنای لغوی و اصطلاحی عرف.....	۱۰۳
مبحث دوم : اقسام عرف.....	۱۰۴
مبحث سوم : حجّیت عرف.....	۱۰۵
مبحث چهارم: شرایط حجّیت عرف.....	۱۰۶
مبحث پنجم : حجّیت عرف عقلاء از دیدگاه امام خمینی(ره).....	۱۰۶
مبحث ششم: کاربرد عرف در فقه.....	۱۰۸
مبحث هفتم : نقش عرف در پویایی فقه.....	۱۰۹
مبحث هشتم : جایگاه عرف در استنباط احکام فقهی.....	۱۰۹
مبحث نهم : کاربرد عرف در اصول.....	۱۱۰
نتیجه گیری	۱۱۱
فهرست منابع و مآخذ	۱۱۳

پیشگفتار

امروزه یکی از عناوینی که می توان برای بحران های معرفتی، معیشتی، فردی، اجتماعی، سیاسی و... نهاد، تعارض میان سنت و نوگرایی است و این تعارض میان تمام عرصه های زندگی قابل مشاهده است. شیعیان در عصر غیبت امام زمان (عج)، به مفهوم اجتهاد ارج می نهند، اما باید دید مفهوم این اجتهاد چه می باشد، آیا منظور اجتهاد مصطلح حوزوی است یا خیر؟ و آیا مقتضیات زمان و مکان می تواند بر اجتهاد اثر نماید؟، در یک کلام باید گفت: فرایند اجتهاد به معنای روش نواندیشی در متون دینی (کتاب و سنت) است. در واقع با استفاده از ادله موجود، بتوان از عهده ی پرسش ها و نیازهای دوران برآمد و در صورتی که ادله عقلی جایگاه واقعی خود را بیابند، در تحصیل قوانین راه بن بست و وجود ندارد و راه فراسوی مجتهد باز می باشد، بنابراین برای دستیابی به اجتهاد پویا، افزون بر کتاب و سنت، بایستی به نقش عقل و عرف عقلاء توجه و از آن ها بهره کافی برد.

پیشینه ی بحث :

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نظریه اداره حکومت بر اساس دیانت و سیاست مطرح و پرسش ها و معضلات فراوانی در ذهن اندیشه ورزان ایجاد شد. در آن برهه امام خمینی (ره)، اجتهاد مصطلح حوزوی را برای اداره جامعه ناکافی خواندند و به فقها اصلاح روش اجتهاد را از طریق دخالت دادن دو عنصر زمان و مکان، توصیه نمودند. در واقع ایشان با بیانات خود، جهان مدرن را در سیطره دین قرار داده، به گونه ای که دین بتواند پاسخگوی تمام نیازهای بشریت باشد. پس از آن رهبر فرزانه، اندیشه های فراوانی در این زمینه مطرح گشت، به گونه ای که عده ای راه افراط در پیش گرفته و

عده ی دیگر در جمود باقی مانده و نقش زمان و مکان را به کلی انکار نمودند، در این میان عده ای دیگر با تفسیر صحیح سخنان امام راحل، راه اعتدال را برگزیدند.

هدف از تحقیق :

با وجود پژوهش های صورت گرفته در این باره، در پهنه ی وسیع موضوع، هزاران باب نگشوده باقی است و می توان با ژرفکاوی آن ها را پی گرفت. هنوز پاسخ به پرسش های فراوانی مانده که در شفافیت مسئله اهمیت دارند، که مغفول مانده اند. هدف این تحقیق، روشن ساختن گوشه ای هرچند ناچیز از زوایای بحث و جمع آوری مطالب بیان شده در این باب است، که البته جای تأمل و کار بسیار دارد.

ضرورت بحث :

در دهه های اخیر و با شتاب گرفتن تحولات در تمامی ابعاد زندگی انسان ها، بحث از زمان و مکان و تأثیرات آن بر فقه و حقوق، از جایگاه ویژه ای برخوردار گشته و با توجه به اینکه اسلام، دین کامل و همگانی است، باید نسبت به نیازها بی اعتنا نبوده، زیرا چنانچه می دانیم، اگر رهبران جامعه ای در برابر مشکلات و موضوعات جدید، همان پاسخ های کهن را دهند، موجبات نابودی آن جامعه را فراهم می آورند، از اینرو بر عهده ی فقها می باشد که برای موضوعات و مشکلات جدید، احکام جدید و متناسب با آن ها را از روی منابع استخراج نمایند.

سوالات اصلی و فرعی :

۱. آیا مقتضیات زمان و مکان، بر استنباط احکام فقهی و حقوقی تأثیرگذار می باشد؟

۲. با توجه به روایت "حلال محمد حلال الی یوم القیامة و حرامه حرام الی یوم"

القیامه"، دین اسلام چگونه پاسخگوی نیازهای بشر امروز می باشد؟

۳. زمان و مکان چگونه بر موضوعات اثر گذاشته و وظیفه ی فقیه در برابر موضوعات دگرگون شده و مستحدثه چیست؟

۴. با توجه به اینکه دین اسلام، مجموعه ای از قوانین فردی و اجتماعی صادره از جانب خداوند متعال است، احکام حکومتی چه نقشی در اداره جامعه اسلامی ایفاء می نمایند؟

۵. اگر حکمی از کتاب و سنت و اطلاقات و عمومات آن ها بدست نیاید، وظیفه ی مجتهد به منظور استنباط احکام شرعی چه می باشد؟ به عبارت دیگر، جایگاه عقل و عرف عقلاء در استنباط احکام فقهی کجاست؟

فرضیه یا پاسخ موقت :

امام خمینی (ره) در رابطه با نقش دو عنصر زمان و مکان در اجتهاد، فرموده اند:

« زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسئله، در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام، ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنی که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می طلبد، مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد. ».

با عنایت به این کلام امام راحل و با توجه به اینکه هیچ موضوعی بدون حکم نیست، وظیفه مجتهد این است که ضمن شناخت موضوعات دگرگون شده و مستحدثه،

احکام آن‌ها را استخراج نماید، برای این کار علاوه بر استفاده از منابع دست اول، یعنی کتاب و سنت، باید به مآخذ فقهی دست دوم، یعنی ادله عقلی و عرف عقلاء، توجه شایان نمود، تا دین بتواند به تمامی نیازها پاسخ گوید و نیازی بی پاسخ نماند.

روش تحقیق :

روش تحقیق، کتابخانه‌ای و با استفاده از کتب و مقالات فقهی و حقوقی موجود در کتابخانه ملی و کتابخانه دانشگاه‌ها و استفاده از سایت‌ها، بوده است.

آنچه پیش رو دارید، نگاهی است بر موضوع تأثیر مقتضیات زمان و مکان بر استنباط احکام فقهی و حقوقی. بدین منظور در فصل اول، پس از بررسی مفاهیم مقتضیات زمان و مکان، فقه و اصول، اجتهاد و حقوق، به بررسی نظام‌های حقوقی و پیشینه‌ی بحث و نظریه‌های موجود (نظریه افراطیون، تفریطیون و اعتدالیون) پرداخته ایم. در فصل دوم، به تأثیر مقتضیات زمان و مکان بر احکام و موضوعات احکام پرداخته، بدین معنا که مقتضیات زمان و مکان تأثیرات گوناگونی بر موضوعات می‌گذارند، به گونه‌ای که گاه این تأثیر تا اندازه‌ای است که موجب پیدایش موضوعات جدید می‌شود، از اینرو حکم جدید می‌طلبند و وظیفه‌ی فقها در این باب شناسایی موضوعات و استخراج حکم آن‌ها از منابع فقهی می‌باشد. در فصل سوم، به منابع استنباط احکام پرداخته شده، در این فصل قرآن و سنت به عنوان منابع دسته اول و ادله عقلی و عرف عقلاء به عنوان منابع دسته دوم، به منظور پاسخگویی به تمامی نیازها معرفی گشته‌اند.

فصل اول

کلیات

گفتار اول : شرح اصطلاحات

در این گفتار، معانی لغوی و اصطلاحی زمان و مکان، فقه، اصول فقه، اجتهاد و حقوق، بیان گردیده است .

مبحث اول : زمان و مکان و مقتضیات

زمان در لغت به معنای وقت اندک و بسیار، هنگام و روزگار می باشد و مکان در لغت به معنای جا، محل و جایگاه است، مقتضیات، جمع مقتضی است، اسم مفعول و به معنای تقاضا کرده شده، اقتضا شده، در خواست شده و در خور می باشد.^۱ استاد شهید مرتضی مطهری تأثیر زمان و مکان بر روی احکام را پذیرفته و آن را با عنوان مقتضیات زمان و مکان مطرح و سه معنا برای آن بیان می کند:

۱. مقتضیات زمان بدین معنا که در هر زمان پدیده هایی به وجود آمده است که باید از آنها تبعیت کرد، پدیده های هر قرن مستلزم آن است که خود را با آن تطبیق دهیم.

۲. مقتضیات زمان به معنای تقاضای مردم هر زمان و پسند آنان است که در هر زمان ذوق و سلیقه ی مردم متفاوت است، مثل مد لباس و کفش و... پس ببینیم اکثریت چه می گویند و تابع آن ها شویم.

۳. به معنای اینکه احتیاجات واقعی در طول زمان تغییر می کند و هر احتیاجی که بشر دارد یک نوع تقاضا می کند، ابزار و وسایل تکامل می یابد و در هر عصر فرق نمی کند، احتیاج به مسکن، کشاورزی، خیاطی، حمل و نقل، آموختن، وسایل فنی و ... که انسان اجباراً باید به دنبال آن ها برود ... اسلام جلوی احتیاجات واقعی را نمی گیرد، بلکه جلوی هوس را می گیرد، جلوی فیلم خوب را نمی گیرد، جلوی فیلم فاسد را می گیرد.^۲

۱- عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۹، صص ۷۳۸ و ۱۱۵۱ و ۱۱۴۷.

۲- مطهری، مرتضی؛ اسلام و مقتضیات زمان، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۹، ج ۲، صص ۱۸۴ و ۱۸۵ و ۱۹۳ و ۱۹۴.

سپس ایشان دو معنای اول را رد و با ذکر دلایلی معنای سوم را می پذیرد. بنابراین می توان گفت، معنای اصطلاحی مقتضیات زمان و مکان، همان احتیاجات واقعی و ضروری انسان هاست که در زمان ها و مکان های گوناگون تغییر کرده و مختلف می باشند.

مبحث دوم : فقه

فقه در لغت، به معنای دریافتن و دانستن، عالم بودن به چیزی، فهم دانش، علم به احکام شرع،^۱ فهم عمیق و نافذ نسبت به همه چیز(فهمی که ما را به کنه و غایت سخن و کردار برساند.^۲) می باشد.

فقه در معنای عام، به معنای فهم نافذ در رابطه با دین و غیر دین می باشد و در همین معنا در بسیاری از آیات به کار رفته، از جمله آیه ۷۸ سوره ی نساء (یفقهون حدیثا).

فقه از نظر معنا، دارای سیر تاریخی بوده و در ابتدا در همین معنای عام به کار می رفته، رفته رفته از دایره ی شمول آن کاسته شده و فقط در رابطه با تعالیم دینی^۳ به کار رفته است چنانچه در آیه نفر^۴ نیز به این معنا به کار رفته (یتفقهوا فی الدین).

با مرور زمان فقه بار دیگر معنای محدودتری یافت، به طوری که از آن پس تنها به بخش احکام و علم به احکام اطلاق می شود و این همان تعریفی است که امروزه از فقه داریم:

«الفقه هو العلم به الاحکام الشرعیه الفرعیه عن ادلتها التفصیلیه؛ فقه عبارت است از علم به

احکام شرعی فرعی، از روی دلیل های تفصیلی احکام.»^۵

۱- عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۹، ص ۹۵۸.

۲- فیض، علیرضا؛ مبادی فقه و اصول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۲۱.

۳- تعالیم دینی عبارتند از: ۱- اخلاقیات(امور تربیتی)، ۲- اعتقادات(فکر و اندیشه)، ۳- احکام(عبادات).

۴- سوره ی توبه/ آیه ۱۲۲.

۵- فیض، علیرضا؛ مبادی فقه و اصول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۲۱.